

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهْدِنَا لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ».

تذکر اخلاقی

به مناسبت سالگرد ورود حضرت معصومه (سلام الله علیها) به قم بنابر آنچه مشهور است، این بحث را مطرح می‌نمایم. بر سفره گسترده این بانوی کرامت نشست‌هایم و شایسته است از آن بهره‌مند شویم.

« شیخ صدوق از پدرش و محمد بن موسی متوکل عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى ع قَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ ».

سند روایت “من زارها فلها الجنة” که از سعد بن سعد از امام رضا (علیه السلام) نقل شده، صحیح و در عین حال کوتاه و ممتاز است. اگرچه محمد بن موسی بن متوکل محل بحث است، اما در کنار او پدر صدوق وجود دارد که ثقه جلیل است. در هر صورت روایت صحیح است. در روایتی دیگر آمده است: “عارفها بحقها”؛ یعنی کسی که حق و جایگاه ایشان را بشناسد. راوی می‌گوید: در خصوص زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، از امام رضا (علیه السلام) پرسیدم. ایشان فرمودند: “هر کس او را زیارت کند، بهشت برای اوست.” یا در روایت دیگری، “هر کس عارف به حق و جایگاه ایشان باشد.” این روایات ظاهراً پس از وفات شهادت‌گونه حضرت معصومه (سلام الله علیها) صادر شده‌اند.

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است: “خداوند حرمی دارد و آن مکه است، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) حرمی دارد و آن مدینه است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرمی دارد و آن کوفه است، و ما اهل بیت (علیهم السلام) حرمی داریم و آن قم است. زنی از فرزندان من در قم دفن خواهد شد که نامش فاطمه است و هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.” واژه “وجبت” در این روایت به معنای “ثبتت” است، نه وجوب اصطلاحی. این روایت را امام صادق (علیه السلام) در زمانی بیان فرمودند که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) هنوز متولد نشده بودند و از این رو، این حدیث از پیشگویی‌ها محسوب می‌شود.

این موارد، پیرامون اهمیت زیارت آن حضرت است.

داستان سید احمد خسروشاهی و آشیخ رضا

مرحوم سید احمد خسروشاهی، برادر مرحوم سید هادی خسروشاهی، که در درس آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (قدس سره) شرکت می‌کردند، در درس اشکالات فراوانی وارد می‌نمودند و به امور دیگر نمی‌رسیدند. در تابستانی، ایشان به مشهد مشرف شده و در حجره یکی از دوستانشان (آقا سید حسن مصطفوی) اقامت گزیدند. در آنجا آشیخ رضا، که در فضیله کتابفروشی داشتند هم حجره شدند. آشیخ رضا هم آمده بودند مشهد و آنجا اقامت داشتند. آشیخ رضا ظاهری ژولیده داشتند و به امور ظاهری بی اهمیت بودند.

مرحوم سید احمد خسروشاهی، برای ابراز فضل، فرعی فقهی را مطرح نمودند که آشیخ رضا در پاسخ فرمودند: “سید احمد، همه

چیز در علوم خواندی نیست بلکه علوم یافتنی نیز وجود دارد.” چون سید احمد گفتند: علوم یافتنی مانند چی؟، آشیخ رضا گفتند: “مانند آنکه چرا به مشهد آمده‌ای؟” و فرمودند: “برای دو حاجت آمده‌ای که به هیچ‌کدام نخواهی رسید و امام رضا (علیه السلام) نیز هیچ‌کدام را به تو عنایت نخواهند کرد، مگر اینکه رضایت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، که مهمان او در قم هستی، را حاصل کنی.”

مرحوم سید هادی خسروشاهی نقل می‌کنند که پس از این واقعه، برادرشان آسید احمد، هر شب به زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) ملتزم شدند و حالت ابراز فضل در درس را کنار گذاشتند. این داستان در کتاب “خاندان علم و تقوا، فقاہت و سیاست” آمده است.

غفلت از ثواب عظیم زیارت، موجب ادبار و سلب توفیق می‌گردد.

داستان سید صدرالدین و کمک مالی

مرحوم سید صدرالدین صدر نقل می‌کند که آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره)، با تشکیل حوزه علمیه قم مخالف بودند و اجازه وجوهات ایشان (که قبلاً دریافت شده بود) را بعد از فوت آقای حائری پس گرفتند، شاید به این دلیل که تشکیل حوزه قم، حوزه نجف را تحت الشعاع قرار دهد. پس از فوت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (قدس سره)، شهریه طلاب قم قطع شده بود و برای اداره طلاب با مشکلات مالی مواجه بودند.

سید صدرالدین صدر، با گلایه نزد حضرت معصومه (سلام الله علیها) عرض می‌کند: “اگر شما قادر به اداره امور نیستید، به برادران امام رضا (علیه السلام) واگذار کنید.” ایشان با ناراحتی حرم را ترک کرده و به منزل بازمی‌گردند و به خادم می‌فرمایند که درب را برای کسی باز نکند. پس از مدتی، درب منزل زده می‌شود. خادم، مردی با کیف و کلاه شاپو را مشاهده می‌کند. خادم آسید صدرالدین صدر، به دلیل ظاهر او، تردید می‌کند، اما پس از اجازه ورود، مرد را نزد آقا می‌برند. مرد با احترام فراوان نزد ایشان آمده و ابراز می‌دارد که عازم تهران بوده و چون به قم رسیده، خواسته ابتدا حساب سال خود را انجام دهد و وجوهات را تقدیم نماید، زیرا معلوم نیست در برگشت در قید حیات باشند. در آن زمان مبلغ زیادی به آقای صدر اهدا می‌کنند که تمام بدهکاری‌ها با این مبلغ پرداخت و شهریه طلاب را برای یک سال تأمین نمودند. این واقعه، نشان‌دهنده عظمت و احترام حضرت معصومه (سلام الله علیها) است.

مسائل فقهی (مسئله 55)

در خصوص مسئله 55، سوالاتی مطرح شده است:

1. تبعیض در فتوا و مجهول المالک شدن مئمن: در فرض تبعیض در فتوا، مئمن (کالای فروخته شده) مجهول المالک می‌شود؟ مشتری بیع را باطل می‌داند و بایع آن را صحیح، در نتیجه مئمن برای هیچ‌کدام نیست. زیرا بایع قائل است که مئمن از ملک او خارج شده است و مشتری قائل است که معامله باطل است و مئمن به ملک او نیامده است.

● پاسخ: مشتری حق تصرف در مئمن را دارد، زیرا اذن ضمن معامله وجود دارد. پس این اشکال سابقاً پاسخ داده شده است.

2. دلیل عقلی مسئله 55: آیا فتوای بر تبعیض بر اساس دلیل عقلی صادر شده است؟ آیا این عقل عملی است؟

● پاسخ: بله، این فتوا بر اساس دلیل عقلی است، اما نه به عنوان دلیل عقلی مستقل، بلکه به عنوان “عقل ابزاری” که ادله دیگر را کنار هم می‌گذارد و موازین را بررسی می‌کند.

3. اشکال: سید بیان داشته‌اند که “عقد متقوم به طرفین است” که لغت و عرف آن را تأیید می‌کنند. اشکال این استدلال چیست؟

● پاسخ: قاعده “عقد متقوم به طرفین” پذیرفته شده است، اما این قاعده باعث نادیده گرفتن حق بایع که بیع را صحیح می‌داند، نمی‌شود و نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که عقد برای هر دو طرف باطل است.

ادامه مسئله 56 (اختیار انتخاب قاضی)

● متن مسئله: در مرافعات، اختیار انتخاب قاضی با مدعی است، مگر اینکه مدعی‌علیه، قاضی “اعلم” را انتخاب کند که در این صورت، انتخاب او مقدم است.

● توضیحات:

● کاربرد امروزی: این مسئله در سیستم قضایی متمرکز امروزی کاربرد ندارد، مگر در مواردی که طرفین خودشان قاضی را انتخاب کنند.

مراد از “اعلم”: بحث در مورد معنای “اعلم” در قضا مطرح است. صاحب عروه، “اعلم” را به معنای “افقه” (آگاه‌تر به فقه) می‌داند. صاحب جواهر نیز بر “افقه” بودن تأکید دارد. ایشان مسئله را مطرح کرده و گفته‌اند: “منظور فضیلت در فقه است ولو اینکه در مقدمات تفقه اعلم باشد. مانند رجال، ادبیات و... و مراد از اعلم افقه است.”

● برخی، مانند آیت‌الله خویی (قدس سره)، منطق را شرط فقاہت نمی‌دانند و برخی نیز رجال را دخیل در فقه نمی‌شمارند. که در محل خودش بحث شده‌اند.

● نظر ارائه‌دهنده: “اعلم” در قضا فقط به معنای “افقه” نیست؛ به نظر ما اعلم در قضا صرفاً به معنای افقه نیست یک بخشی از آن اعلیّت در فقه است. اما موضوع شناسی در قضا، زیرکی در حل دعاوی قضائی در قضاوت مهم است. اصرار بر مجتهد بودن قاضی در سیستم‌های متمرکز لازم نیست. در مواردی که برخی مواد قانونی متعارض هستند، نیاز است که قاضی در فهم قانون مجتهد باشد و استنباط کند.

بحث تداعی و مشکل انتخاب قاضی

● در برخی از موارد بلکه بسیاری از موارد مدعی و منکر محض نیستند بلکه از جهتی مدعی منکر است و منکر از جهتی منکر است. مثلاً خانم ادعا دارد که شوهرش به او مهریه نداده است. شوهر به او بخشیده است. بر عکس شوهر ادعا دارد که این مهریه بوده است و نه هدیه. اینجا خانم و شوهر هم مدعی و منکر هستند. این را تداعی می‌گویند. اینجا حق انتخاب قاضی با کسیت؟ مدعی کیست؟ هر دو مدعی هستند. ای اینکه کسی که اقامه دعوا کرده، مدعی است. برخی مطرح کرده‌اند که در این موارد از “قرعه” (القرعة لكل امر مشکل) برای انتخاب قاضی استفاده شود. این فرع توسط “سید” بیان نشده و باید به مباحث استدلالی افزوده شود.